

The Rijal Status of 'Asim in Rijal Sources of Fariqayn and an Examination of a Doubt about Asim's Recitation of the Qur'an

Sareh Tanafard¹

Ali Akbar Kalantari²

Received: 28/12/2022

Accepted: 27/10/2023



Abstract

The recitation of Hafs by 'Asim is one of the seven common recitations in the Islamic world, which has become a popular recitation in most Islamic societies during the last few centuries, and the copies of the Qur'an are published based on it. Some have questioned the authenticity of 'Asim and Hafs and claimed that this recitation cannot be the Qur'an revealed by Allah to the Holy Prophet. In this study, we introduce 'Asim and describe his Rijal (a branch of hadith sciences that discusses the qualities of the hadith transmitters, especially their reliability in hadith transmission) personality through a descriptive-analytical method, and we can see that only a few cases of 'Asim's shortcomings have been mentioned in Shia and Sunni religious sources, which we rejected with reasons. Even on the assumption of accepting their validity, it can be seen that this small amount was not significant compared to this validity of Asim's confirmations. The maximum result it will give is that 'Asim did not focus on the field of hadith and was not recognized as a muhaddith, and this cannot cause any problems in his recitation.

Keywords

The Qur'an, different recitations, 'Asim, frequency, famous recitation.

1. PhD student in Qur'anic and Hadith Sciences, Department of Quranic Sciences and Jurisprudence, Faculty of Theology, Shiraz University. Shiraz, Iran. s.tanafard@gmail.com.

2. Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Fiqh, Faculty of Theology and Islamic Studies, Faculty of Theology, Shiraz University. Shiraz, Iran. aak1341@gmail.com.

* Tanafard, S., Kalantari, A. A. (1401 AP). The Rijal Status of 'Asim in Rijal Sources of Fariqayn and an Examination of a Doubt about Asim's Recitation of the Qur'an. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 4(14), pp. 71-89. DOI: 10.22081/jqss.2023.65456.1235

دراسة مكانة عاصم في المصادر الرجالية عند الفريقين من وجهة النظر الرجالي ودراسة شبهة في قراءة عاصم

سارة تنافرد^١ علي أكبر كلانتری^٢

تاريخ القبول: ٢٠٢٣/١٠/٢٧

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٢/١٢/٢٨



الملخص

إحدى القراءات السبع الشائعة للقرآن الكريم في العالم الإسلامي هي قراءة حفص عن عاصم، والتي أصبحت قراءة مشهورة في معظم المجتمعات الإسلامية خلال القرون الأخيرة، وعلى أساسها يتم نشر نسخ القرآن. وقد شكك البعض في وثاقة عاصم وحفص وادعوا أن هذه القراءة لا يمكن أن تكون القرآن الذي أنزله الله تعالى على النبي الكريم. وفي هذا البحث تم التعريف بشخصية عاصم الرجالية بالمنهج الوصفي التحليلي، وقد ثبت أنه لا توجد إلا حالات قليلة من ضعف عاصم في المصادر الرجالية الشيعية والسنية والتي تم رفضها بالأدلة المتعددة، وحتى لو قبلنا صحتها، فمن الممكن أن نرى أن هذا القدر الضئيل من تضعيف عاصم ليس كبيراً مقارنة بالحجم الكبير من توثيقاته. وأقصى ما سيعطيه هو أن عاصم لم يركز على مجال الحديث، ولم يعرف كمحدث، وهذا لا يمكن أن يسبب أي مشكلة في قراءته.

المفردات المفتاحية

القرآن الكريم، تعدد القراءات، عاصم، التواتر، القراءة المشهورة.

١. طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، قسم علوم القرآن والفقهاء، كلية اللاهوت، جامعة شيراز، إيران (الكاتب المسئول).
s.tanafard@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم علوم القرآن والفقهاء، كلية اللاهوت والمعارف الإسلامية، كلية اللاهوت، جامعة شيراز، شيراز، إيران.
aak1341@gmail.com

* تنافرد، ساره، كلانتری، علي أكبر. (٢٠٢٣). دراسة مكانة عاصم في المصادر الرجالية عند الفريقين من وجهة النظر الرجالي ودراسة شبهة في قراءة عاصم. فصلية علمية-ترويجية مطالعات علوم قرآن (دراسات علوم القرآن)، ٤(١٤)، صص ٧١-٨٩.
DOI: 10.22081/jqss.2023.65456.1235

وضعیت رجالی عاصم در منابع رجالی فریقین و نقد و بررسی یک شبهه درباره قرائت عاصم

ساره تنافرد^۱ علی اکبر کلانتری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵



چکیده

قرائت حفص از عاصم یکی از هفت قرائت رایج در جهان اسلام است که طی چند قرن اخیر به عنوان قرائت مشهور در اغلب جوامع اسلامی مطرح شده و نسخ قرآن بر بر اساس آن به چاپ می‌رسد. برخی با زیر سوال بردن وثاقت عاصم و حفص مدعی شده‌اند که این قرائت نمی‌تواند قرآن نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به معرفی عاصم و توصیف شخصیت رجالی او می‌پردازیم و مشاهده می‌کنیم که در منابع رجالی شیعه و سنی تنها موارد اندکی از تضعیف عاصم مطرح شده که با دلایلی به رد آنها پرداختیم و حتی به فرض پذیرش صحت آنها نیز مشاهده می‌شود که این مقدار جزئی در مقابل این حجم از توثیقات عاصم قابل توجه نبوده و حداکثر نتیجه‌ای که خواهد داد این است که عاصم در حوزه حدیث تمرکز نداشته و محدث شناخته نمی‌شده است و این نمی‌تواند ایرادی به قرائت او وارد کند.

کلیدواژه‌ها

قرآن، اختلاف قرائات، عاصم، تواتر، قرائت مشهور.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
S.tanafard@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
aak1341@gmail.com

* تنافرد، ساره؛ کلانتری، علی اکبر. (۱۴۰۱). وضعیت رجالی عاصم در منابع رجالی فریقین و نقد و بررسی یک شبهه درباره قرائت عاصم. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۴)، صص ۷۱-۸۹

DOI: 10.22081/jqss.2023.65456.1235

مقدمه

قرآن اساس اسلام و معجزه آسمانی برای اثبات نبوت حضرت محمد ﷺ است و به جهت اهمیت بالایی که داشته و دارد به طور طبیعی علت و انگیزه برای نقل آن فراوان بوده و بسیار نقل شده است تا جایی که ناقلان آن به اندازه‌ای از کثرت رسیده‌اند که آن را متواتر و یقینی گردانیده است. همه مسلمانان به‌رغم اختلاف‌های موجود در زمینه‌های عقیدتی و مذهبی، اتفاق نظر دارند که تنها راه ثابت شدن قرآن تواتر است و قرآن مجید از راه تواتر و نقل‌های فراوان و یقین آور نزد ما ثابت شده است. از سوی دیگر باید توجه شود که میان متواتر بودن آیات قرآن و تواتر قرائت‌ها، هیچ ارتباط و ملازمه‌ای وجود ندارد و ممکن است با وجود اینکه آیات قرآن متواترند، اما قسمتی از قرائات هفت‌گانه و یا حتی تمام قرائات هفت‌گانه متواتر نباشند (خوئی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷۹). درباره وجود اصل قرآن و صحت آن در میان علمای شیعه و سنی هیچ اختلاف نظری نیست و تحدی قرآن خود محکم‌ترین دلیل بر اثبات این مطلب است. اما آنچه مورد اختلاف است قرائات موجود از قرآن است. بی‌تردید، دانستن قرائت صحیح قرآن لازم است تا بتوان با دستیابی به تفسیر صحیحی از کلام الهی، به اجرای فرامین الهی پرداخت و احکام فقهی مستخرج از آیات را به‌طور کامل به دست آورده، با عمل به آنها به انجام درست وظایف دینی خود دست یافت و نیز با توجه به اهمیت صحت قرائت در نماز لازم است که به تبیین هرچه بیشتر این مطلب پرداخته و صحت قرائات موجود بالاخص قرائت مشهور در جوامع اسلامی که همان قرائت حفص از عاصم است را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

۱. پیشینه

در بیان اثبات تواتر قرآن، اختلاف قرائات و قراء سبعة و به‌طور خاص قرائت حفص از عاصم، در بیشتر منابع علوم قرآنی به تفصیل سخن گفته شده است و پژوهش‌های متعددی نیز در این باره صورت گرفته است. از جمله مقاله پیشوایی و یوسفی مقدم (پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۵، سال ۲۱، شماره ۱) و نیز مقاله شریفی نسب (شریفی نسب، ۱۳۹۹،

سال ۲۶ شماره ۶۷) که هر کدام جداگانه به بررسی سند قرائت حفص از عاصم پرداخته‌اند و یا بستانی (بستانی، ۱۳۹۶، سال ۵ شماره ۸) که در مقاله خود از بررسی علت گسترش و رواج قرائت حفص از عاصم سخن گفته است. ما در این پژوهش به منظور پاسخ به شبهات مطرح شده و منتشر شده در فضای مجازی، از سوی برخی اشخاص همچون سید کمال حیدری در زمینه صحت قرآن و به ویژه قرائت حفص از عاصم، نخست به معرفی عاصم و بررسی شخصیت رجالی او می‌پردازیم و جایگاه قرائتش را در میان دیگر قرائات مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهیم تا شبیه مطرح شده درباره قرائت عاصم از حفص پاسخ داده شود.

۲. اختلاف قرائات از دیدگاه فریقین

پس از نزول قرآن کریم و رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در طی سال‌ها اختلاف‌هایی در قرائت قرآن پدید آمد که ریشه پدیدار شدن این اختلاف‌هایی را می‌توان در موارد متعددی از جمله تفاوت لهجه‌ها، ضعف‌های موجود در مصحف عثمانی و کمبودهای رسم‌الخط دانست. (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۳) پس از دوره صحابه و تابعین عده‌ای از مسلمانان به موضوع قرائت اهتمام خاصی داشتند و فقط به امر قرائت قرآن پرداختند و به عنوان استادانی برجسته در مسئله قرائت قرآن مشهور شدند و مردم از اطراف و نواحی گوناگون برای بهره‌مندی از محضر آنان و آموزش قرائت قرآن به سوی آنان می‌آمدند؛ اما پس از آنکه اختلاف مربوط به قرائات روزبه‌روز افزایش یافت، مسلمانان به این نتیجه رسیدند که پیشوایان و قاریانی را که معروف به وثاقت و امانت در نقل و درک صحیح و کمال علم بودند و عمری را در قرائت و اقراء صرف کرده بودند به عنوان مرجع معتبر قرائات انتخاب کنند (دمیاطی، ۱۴۲۷ق، ص ۷)، بنابراین در سده چهارم ابن مجاهد با انتخاب قرائت مشهور و مورد اتفاق مسلمین، قرائات موجود در میان مسلمانان را به هفت قرائت محدود کرد (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹) و با استفاده از نفوذی که در حکومت داشت و با وضع قوانینی مردم را مجبور به پیروی از قرائات سبعة کرد. با اینکه کار ابن مجاهد معایب و انتقاداتی به همراه داشت، محاسنی همچون جلوگیری از افزایش بیش از حد

تعدد قرائات را سبب شد. اهل سنت معتقدند این تفاوت‌ها همگی از جانب خداوند نازل شده و به اقراء یا اقرار پیامبر صورت گرفته است و متواتر و مورد تأیید است (فضلی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۶)؛ اما شیعیان اختلاف قرائات موجود را از سوی خداوند نمی‌دانند و معتقد به وحدت نزول هستند. بایستی به این نکته توجه نمود که وحدت نزول متفاوت از وحدت قرائت است، بدین معنا که شیعیان قائلند به اینکه قرآن به یک حرف و یک قرائت و بر یک پیامبر نازل شده است (وحدت نزول) (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۷)؛ اما اختلاف قرائات به وجود آمده در طول تاریخ قابل انکار نیست و شیعه در ضمن پذیرش این رخداد، معتقد است این اختلاف قرائات موجود، از ناحیه قراء و روایان پیش آمده است و از جانب خداوند یکتا نیست. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: **إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَ لَكِنَّ الْأَخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ**؛ قرآن یکی است، و از نزد یکی (یعنی خدای یگانه) نازل گردیده است، ولی اختلاف از طرف روایان آن پدید آمده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۰)؛ البته ذکر این نکته ضروری است که این اختلاف‌ها پدید آمده از سوی قاریان تنها موارد محدودی از حروف و سخنان قرآن را شامل می‌شود و اکثریت آیات قرآن از زمان نزول قرآن تا کنون تنها به یک قرائت خوانده و نوشته شده است و در قرائت صحیح آنها، آن گونه که از زبان حضرت رسول صلی الله علیه و آله خارج شده است هیچ اختلافی نیست. اما از جمله دلایل انتخاب این هفت نفر از میان قراء موجود، مقام علمی و صلاحیت بالای آنان بود، مانند ایشان کسانی بودند که برخلاف دیگر دانشمندان معاصر خود که افزون بر قرآن بیشتر به فقه و حدیث و مانند آنها اشتغال داشتند، کار خود را منحصر به امر قرائت کرده بودند و با اطلاع از وجوه گوناگون قرآن، قرائتشان را حرف به حرف از اول تا آخر قرآن از افرادی می‌گرفتند که به امام یا یکی از قاریان بزرگ مستند بود (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۸)؛ بنابراین در شرایطی که علمای اهل سنت همه آن قرائات را نازل شده از جانب خداوند و صحیح می‌دانستند، علمای شیعه که قرائت واحده نازل از جانب خداوند را در میان قرائات متعدد موجود مستور می‌دیدند، بالاچار بر جواز قرائت به قرائات معمول و متداول میان امت اسلامی اجماع کردند و این گونه فتوا دادند که به هر کدام از این قرائات خوانده شود صحیح است،

و انتخاب و ترجیح تنها یکی از قرائت را مکروه دانستند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۸). از جمله این قراء سبعة، عاصم بن ابی النجود اسدی (متوفای ۱۲۸) قاری کوفه است که قرائتش از روش دو راوی او حفص بن سلیمان - پسر خوانده او - (۱۸۰-۹۰) و شعبه ابوبکر بن عیاش (۱۹۳-۹۵) به ما رسیده است. اکنون در بخش بزرگی از جهان اسلام قرائت رسمی، قرائت حفص از عاصم است که قرآن‌های را بر اساس قرائت وی چاپ و منتشر می‌کنند.

۳. نام و نسب عاصم در منابع فریقین

در کتاب‌های رجالی فریقین، از او با نام عاصم بن ابی النجود یاد شده و برخی نیز او را با نام عاصم بن بهدله معرفی کرده‌اند. وی در زمان حکومت معاویه بن ابی سفیان به دنیا آمد. کنیه‌اش ابوبکر، اهل کوفه و آزاد شده خاندان اسد است (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۵۷؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۵۶؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۷، ص ۲۵۶). در اینکه وی از نظر اعتقادی چه مذهبی داشته، محل اختلاف است. بیشتر وی را شیعه دانسته‌اند (امین، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۶؛ صدر، ۱۳۸۱، ص ۵۴۶؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۴۸). عمرو بن علی و حاجب بن سلیمان منبجی و محمد بن احمد بن محمد بن ابی بکر مقدمی، فلاس و برخی دیگر بهدله را نام مادر او می‌دانند. ابن جزری می‌گوید: ابی النجود نام پدر عاصم است و اسم دیگری برای او شناخته نشده است و بهدله نام مادر اوست و نیز می‌گوید: برای پدر او نام عبدالله نیز گفته شده است (ابن جزری، ۱۳۵۱ق، ج ۱، ص ۳۴۶؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۵، ص ۲۲۰؛ عقرباوی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۸۲؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۹)؛ اما برخی از جمله ابوخیثمه، احمد بن حنبل، یحیی بن معین و ابوحاتم رازی، نام پدر عاصم را ابوالنجود می‌دانند. ابن حجر معتقد است عمرو بن علی و کسانی که گفته‌اند بهدله نام مادر اوست خطا کرده‌اند و نیز از قول ابوبکر بن ابی داوود می‌گوید: بعضی از کسانی که نمی‌دانند گمان کرده‌اند که بهدله مادر اوست، اما چنین نیست؛ بهدله پدر اوست و کنیه‌اش ابالنجود است. عاصم نیز مانند اعمش و ابو حصین اسدی نایب بود و وفات او را در اواخر سال ۱۲۷ و یا در سال ۱۲۸ دانسته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ج ۵، ص ۳۸؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۷، ص ۲۵۶؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۴۷۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۵، ص ۲۲۰؛ ابن ابی حاتم،

۱۲۷۱ق، ج ۶، ص ۳۴۰؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۵۷؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۵۶).

۴. مشایخ عاصم در منابع فریقین

عاصم از صغار تابعین شمرده شده که به نقل از کبار تابعین پرداخته است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۵۶) او از طبقه سوم بوده و از صحابه، ابارمته، رفاعه بن یثربی تمیمی و حارث بن حسان بکری را ملاقات کرده و از آنها روایت کرده است (دانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۹۳) از دیگر کسانی که عاصم از آنها روایت کرده است ابی صالح سمان، ابی رزین، مسیب بن رافع، معبد بن خالد و سواء خزاعی را می‌توان نام برد (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ج ۵، ص ۳۸) همچنین او از ابی وائل و زربن حبیش (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۷، ص ۲۵۶)، ابی عبدالرحمن سلمی و مصعب بن سعد بن ابی وقاص، و گروهی دیگر نقل حدیث کرده است و قرآن را بر ابی عبد الرحمن سلمی و زر بن حبیش اُسدی خوانده است (ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱).

۵. راویان عاصم در منابع فریقین

افرادی مانند ابوبکر بن عیاش و اهالی عراق (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۷، ص ۲۵۶)، عطاء بن ابی رباح و ابوصالح سمان (این دو نفر خود از مشایخ او و کبار تابعین هستند) از او روایت کرده‌اند. او در کوفه تصدی اقرء کتاب الله را بر عهده داشت و افراد بسیاری بر او قرائت کردند. از آن جمله أعمش، مفضل بن محمد ضبی، حماد بن شعیب، ابوبکر بن عیاش، حفص بن سلیمان و نعیم بن میسره را می‌توان نام برد. ابوعمر و بن علاء، حمزه بن حبیب، حمادان و خلیل بن أحمد حرف‌هایی از قرائت را از او روایت کردند. سلیمان تیمی، سفیان ثوری، شعبه و ابان و شیبان، ابوعوانه و سفیان بن عیینه، و خلق نیز از جمله راویان او هستند (ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱).

۶. جرح و تعدیل عاصم در کتاب‌های رجالی فریقین

۱-۶. جرح عاصم در کتاب‌های رجالی فریقین

در منابع شیعی هیچ‌گونه جرحی علیه عاصم یافت نشد؛ بلکه تنها نکته خاکستری در

مورد او اظهار نظر علامه شوشتري است که او را راستگویی می‌داند که دارای توهماتی است؛ در عین حال چنین افزوده است که او در قرائت حجت است (شوشتري، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۹۰) و نیز نقل قول آیت الله خوئی از عقیلی که معتقد بوده عاصم به جز بدحافظه بودن عیب دیگری ندارد (خوئی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۶) و حقیقتاً هیچ‌یک از این دو مورد را نمی‌توان به عنوان جرح تلقی نمود. اما در منابع اهل سنت، در موارد اندکی جرح‌هایی علیه او یافت شد که به بیان آنها خواهیم پرداخت. عاصم در برخی اقوال به ضعف حافظه شهرت دارد. یحیی قطان گفته است: مردی را نیافتم که نامش عاصم باشد مگر اینکه او را در حفظ ضعیف یافتیم. و نیز از نسائی نقل است که گفته: عاصم حافظ نیست؛ همچنین دارقطنی در حفظ عاصم اشکال دانسته است. ابن خراش نیز گفته: حدیث او قابل رد و انکار است. هرچند که ذهبی خود بلافاصله پس از این نقل قول، او را حسن الحدیث دانسته است. أبوحاتم معتقد است درست نیست که گفته شود عاصم ثقه است (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۵۷) همچنین از یعقوب بن سفیان نقل شده که عاصم را به‌رغم وثاقت، مضطرب الحدیث دانسته است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۵، ص ۲۲۰) و ابن سعد اضافه کرده که عاصم ثقه بود، اما در حدیثش خطا بسیار داشت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۳۲۰) همچنین عبدالرحمن نقل کرده هنگامی که به پدرش می‌گوید ابوزرعه عاصم را ثقه دانسته است او در پاسخ با استدلال به سخن ابن علی که گفته هر کس نامش عاصم باشد سیء‌الحفظ است گفته است مناسب نیست ثقه گفته شود و خود این‌گونه ابی‌النجود را یاد کرده که گفت جایگاه او نزد من جایگاه صدق و صالح الحدیث است، اما حافظ نیست (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۶، ص ۳۴۱).

۶-۲. تعدیل عاصم در میان اهل سنت

بسیاری از علمای اهل سنت، وثاقت عاصم را تأیید کرده‌اند؛ و به عنوان یکی از قراء سبعة برای او طلب رحمت و شکر مساعی از جانب خداوند می‌کنند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۲۵۲). او را در کوفه پس از ابی عبد الرحمن سلمی شیخ الإقراء دانسته‌اند که میان فصاحت و تجوید و اتقان و اتفاق و تحریری جمع کرده و صوتش از همه مردم

نیکوتر بود و مردم از هر سو برای قرائت به سوی او می‌رفتند (عقرباوی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۸۲؛ مفلح‌القضا، ۱۴۲۲ق، ص ۹۴). سلمه بن عاصم او را فردی مودب، عابد، فصیح و خوش صدا می‌داند. زیاد بن ایوب به نقل از ابوبکر او را عابد و خَیْرِي دَائِم الصلاه می‌داند که چون برای کاری می‌رفت، اگر در راه مسجد را می‌دید کار را به تأخیر انداخته و به خواندن نماز در مسجد می‌پرداخت. عاصم را در قرائت ثقه و در حدیث صدوق دانسته‌اند. او در زمان خودش پیشرو، مشهور به فصاحت و معروف به اتقان بود. ابوبکر بن عیّاش او را توثیق شده توصیف می‌کند و می‌گوید نحوی فصیحی است که هنگامی که سخن می‌گوید سخنش مشهور و شناخته شده است. و در نقلی دیگر گفته: اباسحاق سبّعی که خودش یکی از فصحاء است، بارها گفته است احدی را قاری‌تر از عاصم برای قرآن نیافتم و هیچ‌یک از اصحاب عبدالله را استثنا نکرد. از تَوْبَةُ الْمَلَائِي که داناترین اهل کوفه به علم نحو بود نقل شده که گفته است هرگز از اباسحاق لحن نشنیدم. و نیز از حسن بن صالح که گفته احدی را فصیح‌تر از عاصم نیافتم، هنگامی که سخن می‌گوید گویی خیال بر او وارد می‌شود؛ همچنین در نقلی دیگر از ابوبکر بن عیّاش آمده است که عاصم به من گفت دو سال بیمار شدم و هنگامی که برخاستم قرآن را خواندم بدون اینکه در حرفی دچار خطا شوم (ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۶۹؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۵۶؛ زرکلی، ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۴۸) و عاصم خود نقل کرده است که از هیچ سفری نزد ابی وائل نمی‌آمدم مگر اینکه دستم را می‌بوسید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۳۲۰) او در قرائت مورد توجه همگان و انگشت‌نما بود (ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۹). ذهبی معتقد است احمد و ابوزرعه که عاصم را ثقه دانسته‌اند تنها نیستند و قرینه‌های دیگری مؤید آنان است. أحمد بن حنبل ضمن تصریح به وثاقت او، گفته است که من قرائتش را اختیار می‌کنم. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۵۷) عبدالله فرزند احمد بن حنبل نیز نقل می‌کند که از پدرم درباره عاصم بن بهدله پرسیدم گفت: مردی صالح، نیکو و ثقه است. و اعمش از او حافظ‌تر است و شعبه، در تثبیت حدیث اعمش را بر او اختیار کرده است. پس از او پرسیدم کدام قرائت نزد تو محبوب‌تر است؟ گفت قرائت اهل مدینه پس اگر نبود، قرائت عاصم. و در قیاس میان حماد بن ابی سلیمان و عاصم، عاصم را ترجیح می‌داد،

چون عاصم را صاحب قرآن و حماد را صاحب قفه می‌دانست؛ همچنین عاصم را مشهورتر و محبوب‌تر از ابی قیس می‌دانست و می‌گفت حدیثش از ابی قیس الاودی بیشتر است. و نیز او را بر عبدالملک مقدم می‌دانست و می‌گفت عاصم نزد من کمتر از عبدالملک اختلاف دارد. یحیی بن کمال نیز ایرادی به او ندانسته است (ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۶، ص ۳۴۱؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۴۷۳) و ابوحاتم می‌گوید جایگاه او صدق است و حدیثش در کتاب‌های سته آمده است (ابن جزری، ۱۳۵۱ق، ج ۱، ص ۳۴۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۵۷).

۳-۶. توثیقات عاصم در کلام علمای شیعه

موقعیت علمی و شخصیت عاصم قابل انکار نیست و علمای اهل سنت و شیعه عموماً او را تصدیق کرده‌اند (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۵۷). برخی همچون ابن شهر آشوب و ابوالفتوح رازی او را مقتدای شیعه دانسته‌اند (صدر، ۱۳۸۱، ص ۵۴۶) و علامه حلی درباره قرائت عاصم تصریح می‌کند که بهترین قرائت‌ها نزد من، قرائت عاصم است. (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۶۴). قاضی نورالله شوشتری نیز عاصم را یکی از ائمه قرائت و صدوق در حدیث دانسته است؛ همچنین گفته است که او مردی متبحر در صرف و نحو و قرائت و منحصر به فرد در زمان خویش بوده است؛ در قرائت و تلاوت قرآن از فصحا و خوش آوازترین در قرائت با صوتی محزون و نیکو بود و طالبان علم قرائت از هر دیار به او می‌پیوستند و بزرگان کوفه و اهل فن همگی او را صاحب نیکوترین قرائت می‌دانند. (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۵۴۸-۵۴۹). نیز برخی او را از پارسا‌ترین و پرهیزکارترین قاریان دانسته‌اند که در قرائت از همه قاریان تلاش بیشتری انجام می‌داد و رأیش درست‌ترین آراء بود (خوانساری، ۱۳۴۱ق، ج ۵، ص ۵). و برخی وی را از شیعیان و قرائتش را محبوب‌ترین قرائت نزد علمای شیعه معرفی می‌کنند (امین، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۶). او در بین قراء، معروف به ویژگی‌های ممتاز بود که شخصیتی قابل توجه به وی بخشیده بود. او ضابطی بی‌نهایت استوار و در اخذ قرآن از دیگران بسیار محتاط بوده است (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵).

۷. قرائت عاصم از دیدگاه فریقین

قرائت عاصم در میان اهل سنت به عنوان یکی از قرائات سبعة و نازل شده از سوی خداوند، مورد توجه بسیار قرار داشته و دارد. در کوفه پس از شیخش ابوعبدالرحمن سلمی، امامت در قرائت به عاصم منتهی می‌شود.

أبو بکر بن عیاش در وصف او گفته است: عاصم پس از وفات استادش ابوعبدالرحمن، قاری کوفه شد. او همانند استادش، نابینا بود و غالباً یک نفر عصاکش داشت که او را جابه‌جا می‌کرد (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۵۶). قرائت عاصم را در میان رده‌بندی قرائات قراء سبعة، «افصح القرائات» نامیده‌اند (ابن جزری، ۱۳۵۱ق، ج ۱، ص ۷۵) و نقل کرده‌اند که قرائتی که حفص از عاصم اخذ کرده از روش روایت ابوعبدالرحمن سلمی به علی بن ابیطالب می‌رسد (ابن الندیم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۷) و خود عاصم مدعی است که در هیچ چیزی از قرائت ابوعبدالرحمن با او مخالفت نکرده است و ابوعبدالرحمن نیز در هیچ چیزی از قرائت علی رضی الله عنه با او مخالفتی نکرده است. احمد بن یونس از ابی بکر روایت کرد که گفت: تمام قرائت عاصم قرائت ابوعبدالرحمن است به جز در یک حرف. عاصم به من گفت قرائتی را که بر تو خواندم قرائتی است که از ابوعبدالرحمن دریافت کردم و قرائتی را که بر ابابکر بن عیاش خواندم قرائتی است که بر زر از ابن مسعود عرضه کردم (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۵۶) انتساب قرائت عاصم به امیر مؤمنان رضی الله عنه، از جمله دلایلی است که سبب شده است تا قرائت او نزد شیعیان نیز از اهمیت به سزایی برخوردار باشد؛ تا جایی که برخی معتقدند قرائت عاصم، قرائت متداول میان مسلمانان است؛ از این رو قرائت او همه‌جا با مرکب سیاه نوشته می‌شود و قرائت‌های دیگر را با رنگ‌های دیگر می‌نویسند تا با قرائت عاصم اشتباه نشود (خوانساری، ۱۳۴۱ق، ج ۵، ص ۴). صاحب ریحانه الأدب نیز سخن مشابهی دارد و می‌گوید «اصل مصاحف که نوعاً اصل معمولی در کتابت است موافق قرائت عاصم نوشته شده است و قراءات هریک از قراء دیگر را، با تعیین اسم قاری آن با خط سرخ در حواشی می‌نوشتند» (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸). در ابتدای سده چهارم، در جلسه قرائت ابن مجاهد که خود قاری بغداد بود، پانزده تن متخصص قرائت عاصم وجود داشته است و ابن مجاهد که خود تعیین کننده قرائات سبعة

بود، تنها قرائت عاصم را به آنان می‌آموخت (ذهبی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۷). نبطویه، ابراهیم بن محمد (متوفای ۳۲۳) که پنجاه سال آموزش قرائت را به عهده داشت، همیشه در آغاز جلسه خود، قرآن را به قرائت عاصم می‌خواند و پس از آن به قرائت‌های دیگر می‌پرداخت (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۰۹). علامه حلی می‌گوید بهترین قرائت‌ها نزد من قرائت عاصم است (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۳). برخی نیز معتقدند در تمام دوره‌های تاریخ، قرائت عاصم قرائتی بوده که بر همه قرائت‌ها ترجیح داشته و بین عامه مسلمانان رواج داشته و همگان بدان توجه داشته‌اند (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۳۶) و هرچه از مصاحف جدید و قدیم می‌بینیم همه بر اساس قرائت عاصم نوشته شده است (خوئی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۱۰۰).

۸. نقد و بررسی نظرات فریقین

از دیدگاه‌هایی که درباره عاصم و قرائت وی بیان کردیم، مشاهده شد که عاصم در تمام منابع شیعی و نیز در بیشتر منابع اهل سنت مورد توثیق واقع شده است و فقط در موارد محدود و انگشت شماری، آن هم در زمینه نقل حدیث، بر او برخی ایرادهایی وارد شده است که این ایرادها و نظرات مخالف نیز همگی صحیح به نظر نمی‌رسند؛ برای مثال در مواردی تناقضاتی مشاهده می‌شود، از جمله اینکه از یحیی بن معین نقل شده که عاصم در حدیث قوی نبود، ولی ابن حجر از یحیی بن معین نقل می‌کند که او گفته است: لیس به بأس؛ هیچ ایرادی بر او وارد نیست. در کتاب میزان الاعتدال به نقل از ابوحاتم یک مرتبه گفته شده است: محله الصدق، و کمی بعد دوباره از او نقل شده که گفته است: لیس محله ان یقال ثقه! (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۵۷) و یا اینکه گفته شده ثقه است و در حدیثش اضطراب است! و یا اینکه ثقه است، اما در حدیثش خطای زیادی است! چگونه می‌شود کسی که خطای زیادی دارد ثقه شمرده شود؟! برخی از این سخنان نیز، فارغ از صحت یا عدم صحت سند، نمی‌تواند از لحاظ متن و محتوا با عقل پذیرفته شود؛ برای مثال اینکه یحیی قطان گفته است هر کس نامش عاصم است دارای سوء حافظه است! با هیچ منطقی قابل پذیرش نیست که چنین حکم کلی درباره افراد با این نام داده شود. اما نکته قابل توجه آن است که افرادی که در حدیث او را تضعیف

کرده‌اند به وثاقت وی تصریح داشته‌اند؛ همچنین ذهبی در توضیح سخن دارقطنی که در حفظ عاصم اشکال دانسته است این گونه می‌افزاید که این ضعف مربوط به حدیث است و نه قرائت؛ و دلیل می‌آورد که همیشه زمانی که یک عالم تمام تمرکز و تخصص خود را در یک حوزه قرار می‌دهد و در یک فن پیشرو می‌شود، در دیگر فنون دچار ضعف‌هایی خواهد شد و این یک امر طبیعی است. عاصم کسی بود که تمام هم و غمش را در قرائت گذاشته بود و نه در حدیث (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۵۷؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۵۶) و از سوی دیگر می‌بینیم که عاصم قاری مرجع در کوفه بوده و خیل کسانی که از نزدیک او را می‌شناختند، برای تعلیم قرائت قرآن نزد او می‌آمدند. همین که درباره قرائت او هیچ نقطه ضعف و نقطه تاریکی مطرح نشده و طی سالیانی که مورد مراجعه مردم بوده است و کسی تناقض یا فراموشی در قرائتش نقل نکرده است، خود موید این موضوع است. از مجموع این سخنان می‌توان نتیجه گرفت که این موارد اندک از تضعیف عاصم به فرض پذیرش صحت آنها، در مقابل آن حجم از توثیقات عاصم قابل توجه نبوده و حداکثر نتیجه‌ای که خواهد داد این است که عاصم در حوزه حدیث تمرکز نداشته و محدث شناخته نمی‌شده است و این نمی‌تواند ایرادی به قرائت او وارد کند؛ بنابراین می‌بینیم که طی قرن‌ها قرائت وی در میان دیگر قرائات سبعة و عشره مورد توجه علمای قرائت بوده و هست. اما در این میان برخی در معرفی قرائت حفص از عاصم مدعی شده‌اند که این قرائت در طول تاریخ تنها قرائت رایج در میان مسلمین در تمامی بلاد اسلامی بوده است (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۹؛ معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵؛ شریفی نسب، ۱۳۹۹، سال ۲۶، شماره ۶۷؛ پیشوایی، ۱۳۹۵، سال ۲۱، شماره ۱) حال آنکه با بررسی گزارشات تاریخی و نیز تفاسیر نوشته شده طی سده‌های گوناگون درمی‌یابیم که نه تنها چنین نبوده، بلکه در ادوار مختلف، قرائات مختلفی در بلاد گوناگون شهرت می‌یافت و دلایل متعددی سبب تغییر قرائت رایج جامعه از یکی به دیگری بود و عالمان نیز اختیار و ترجیح کلی یک قرائت و یک قاری را ناپسند و مکروه می‌دانستند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۸) و روش آنها در بیشتر موارد بدین صورت بوده است که در هر آیه قرائات گوناگون را بررسی کرده و با توجه به قرائن و شواهد مختلفی از جمله سیاق آیات و

قواعد ادبی و پاره‌ای مسائل دیگر، یک قرائت را ارجح تشخیص دهند. همان‌گونه که در برخی موارد در تفسیر مفسرین بزرگ دیده می‌شود که میان قرائات موجود در یک عبارت، قرائتی غیر از قرائت عاصم ارجح دانسته شده است (فاکرمیدی، ۱۳۹۰، سال ۴، شماره ۲)؛ اما در بیان علت رواج قرائت حفص از عاصم در چند سده اخیر دلایل متعددی مطرح شده است. برخی علت آن را منسوب بودن قرائت به حضرت علی علیه السلام می‌دانند؛ برخی سادگی آن و داشتن احکام تجویدی کمتر درباره دیگر قرائات را دانسته‌اند و برخی علت آن را انتخاب این قرائت توسط حکومت عثمانی و ارسال نسخه‌ای از آن به منظور چاپ در کشورهای دارای صنعت چاپ دانسته‌اند. اما آنچه مسلم است این است که قرائت عاصم جزء قرائات سبعه‌ای است که تمام علمای شیعه و سنی به اتفاق، جواز بر قرائت آن داده‌اند. و به فرض اینکه کسی قرائت حفص از عاصم را صحیح نداند، مجاز است به دیگر قرائات مراجعه کند، زیرا به‌طور قطع قرآن نازل شده از سوی خداوند که به متواتر میان نسل‌ها سینه به سینه منتقل شده است منحصر در این قرائات است و خارج از آنها نیست (عاملی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۵).

نتیجه‌گیری

عاصم یکی از قاریان معروف و مورد اعتماد مسلمین به‌ویژه در کوفه بوده است که در بیشتر منابع رجالی اعم از شیعه و سنی مورد توثیق قرار گرفته و بسیار ستوده شده است. تنها در موارد محدودی سخن از ضعف حافظه او به میان آمده است که اخبار رسیده درباره آن بنا به دلایلی از جمله وجود تناقضات در اخبار، تصریح به وثاقت او در عین اشاره به ضعف حافظه‌اش و یا محدود دانستن ایرادات او به مباحث حدیثی پذیرفتنی نیستند و به فرض پذیرش صحت آنها نیز باید گفت در برابر حجم کثیر توثیقات رسیده درباره او بسیار ناچیزند. اما آنچه مسلم است این است که هیچ‌کدام از این اشکالات در زمینه قرائت او وارد نشده است و قرائت عاصم یکی از قرائات مشهور در جامعه اسلامی است که علمای اهل سنت به صحت آن فتوا داده و علمای شیعه نیز بر جواز صحت قرائت به آن در کنار دیگر قرائات، اجماع کرده‌اند.

کتابنامه

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۲۷۱ق). الجرح والتعديل (ج ۶). حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
۲. ابن الندیم، محمد بن ابی یعقوب. (۱۴۱۷ق). الفهرست (ج ۱، چاپ دوم). بیروت: دارالمعرفة.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد. (۱۳۵۱ق). غایة النهاية في طبقات القراء (ج ۱). قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
۴. ابن حبان، محمد. (۱۳۹۳ق). الثقات (ج ۷). حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۹۰ق). لسان المیزان (ج ۱ و ۷، چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۶ق). تهذیب التهذیب (ج ۵). هند: مطبعه دائره المعارف النظامیه.
۷. ابن خلکان، احمد بن محمد. (۱۹۰۰م). وفيات الأعیان (ج ۳). بیروت: دار صادر.
۸. ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۰ق). طبقات الكبرى (ج ۶). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۵ق). تاریخ دمشق (ج ۲۵). بیروت: دار الفکر.
۱۰. ابن مجاهد، احمد بن موسی. (۱۴۰۰ق). السبعه فی القرائات (ج ۱، چاپ دوم). قاهره: دارالمعارف.
۱۱. امین، سیدمحسن. (بی تا). اعیان الشیعه (ج ۱). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۲. بستانی، قاسم. (۱۳۹۶). اسباب و زمان گسترش روایت حفص. مطالعات قرائت قرآن، ۵(۸)، صص ۱۱-۴۲.
۱۳. بلاغی، محمدجواد. (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن (ج ۱). قم: بنیاد بعث.
۱۴. پیشوایی، فریده؛ یوسفی مقدم محمدصادق. (۱۳۹۵). بررسی سند قرائت حفص از عاصم. فصلنامه پژوهش های قرآنی، ۲۱(۱)، صص ۱۰۶-۱۲۷.

۱۵. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (ج ۱ و ۵). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۱۶. خدایی اصفهانی، اکرم. (۱۳۷۸). اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص. تهران: نشر رایزن.
۱۷. خوانساری، سیدمحمدباقر. (۱۳۴۱ق). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات (ج ۵). قم: مکتبه اسماعیلیان.
۱۸. خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۲). بیان در علوم و مسائل کلی قرآن (مترجم: محمدصادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۱۹. خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۹ق). معجم رجال (ج ۱۰). قم: دفتر آیت الله خوئی.
۲۰. دانی، عثمان بن سعید. (۱۴۲۸ق). جامع البیان فی القرائات السبع (ج ۱). امارات: جامعة الشارقة.
۲۱. دمیاطی، احمد بن محمد. (۱۴۲۷ق). اتحاف فضلا البشر فی القراءات الأربعة عشر (چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۲. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۲ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال (ج ۲). بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
۲۳. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق). سیر اعلام النبلاء (ج ۵، چاپ سوم). بیروت: موسسه الرساله.
۲۴. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۷ق). معرفة القراء الكبار علی الطبقات و الاعصار. قم: دارالکتب العلمیه.
۲۵. زرکلی، خیرالدین. (۲۰۰۲م). الاعلام (ج ۲ و ۳، ج ۱۵). بیروت: دار العلم للملایین.
۲۶. شریفی‌نسب، حامد. (۱۳۹۹). مطالعه انتقادی اصالت سند روایت حفص از قرائت عاصم. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۲۳(۶۷)، صص ۹۹-۱۲۴.
۲۷. شوشتری، محمدتقی. (۱۴۱۴ق). قاموس الرجال (ج ۵، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. شوشتری، نورالله بن شریف الدین. (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین (ج ۱). تهران: اسلامیة.

۲۹. صدر، سیدحسن. (۱۳۸۱). تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام (شیعه بنیانگذاران فرهنگ اسلام). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۰ق). المقاصد العلیه فی شرح الرسالة الألفية (ج ۱). قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۳. عقرباوی، زیدان محمود. (۱۴۲۷ق). المرشد فی علم التجوید (ج ۲). عمان: دارالفرقان.
۳۴. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۸۷). طبقات مفسرین شیعه. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۳۵. فاکر میبدی، محمد. (۱۳۹۰). اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی. قرآن شناخت، ۴(۲)، صص ۹۳-۱۲۰.
۳۶. فضلی، عبدالهادی. (۱۴۰۵ق). القرائات القرآنیه. بیروت: دارالقلم.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج ۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. مزی، یوسف بن زکی. (۱۴۰۰ق). تهذیب الکمال، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال (ج ۱۳). بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۹. معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۱). علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۴۰. معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۸). التمهید فی علوم القرآن (ج ۲). قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۴۱. مفلح القضا، محمد احمد و دیگران. (۱۴۲۲ق). مقدمات فی علم القرائات. عمان: دار عمار.

References

1. Ameli, Z. (1420 AH). *Al-Maqasid Al-Aliyya fi Sharh Al-Risalah Al-Ulfiya* (Vol. 1). Qom: Publishing Center of Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Arabic]
2. Amin, S. M. (n.d.). *Ayan al-Shia* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ta'aruf le Matbu'at.
3. Aqighi Bakshayeshi, A. (1387 AP). *Classes of Shiite commentators*. Qom: Navid Islam Publishing Office. [In Persian]
4. Aqrabavi, Z. (1427 AH). *Al-Murshid fi Ilm al-Tajweed* (Vol. 2). Oman: Dar al-Furqan. [In Arabic]
5. Balaghi, M. J. (1420 AH). *Ala' al-Rahman* (Vol. 1). Qom: Bethat Foundation. [In Arabic]
6. Bustani, Q. (1396 AP). The condition and time of expansion of Hafs narration. *Qur'an Reading Studies*, 5(8), pp. 11-42. [In Persian]
7. Damiati, A. (1427 AH). *Ithaf Fazla al-Bashar fi al-Qara'at al-Arba'ah al-Ashar* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Kotob Al-Ilmiya. [In Arabic]
8. Dani, O. (1428 AH). *Jami al-Bayan fi al-Qara'at al-Saba* (Vol. 1). UAE: University of Sharjah. [In Arabic]
9. Faker Meybodi, M. (1390 AP). Differences in readings and its role in interpretation from Allameh Tabatabai's point of view. *Quran Knowledge*, 4(2), pp. 120-93. [In Persian]
10. Fazli, A. (1405 AH). *Al-Qira'at al-Qur'aniya*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
11. Heli, H. (1412 AH). *Muntahi al-Matlab fi Tahqiq al-Mazhab* (Vols. 1 & 5). Mashhad: Majma' al-Bohouth al-Islamiya. [In Arabic]
12. Ibn Abi Hatam, A. (1271 AH). *Al-Jarh va al-Ta'adil* (Vol. 6). Hyderabad: Majlis Da'ir al-Ma'arif al-Uthmaniya. [In Arabic]
13. Ibn al-Nadim, M. (1417 AH). *Al-Fihrist* (Vol. 1, 2nd ed.). Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic]

14. Ibn Asaker, A. (1415 AH). *History of Damascus* (Vol. 25). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
15. Ibn Hajar Asqalani, A. (1326 AH). *Tahdeeb al-Tahdeeb* (Vol. 5). India: Matba'ah Da'ir al-Ma'arif al-Nizamiya. [In Arabic]
16. Ibn Hajar Asqalani, A. (1390 AH). *Lisan al-Mizan* (Vol. 1 & 7, 2nd ed.). Beirut: Al-Alami le al-Matbu'at Institute. [In Arabic]
17. Ibn Hibban, M. (1393 AH). *Al-Thaqat* (Vol. 7). Hyderabad: Majlis Da'ir al-Ma'arif al-Uthmaniya.
18. Ibn Jazri, M. (1351 AH). *Qayat al-Nahaya fi Tabaqat al-Qara* (Vol. 1). Cairo: Ibn Taymiyyah School. [In Arabic]
19. Ibn Khalqan, A. (1900). *Vafiyat al-A'ayan* (Vol. 3). Beirut: Dar Sader.
20. Ibn Mujahid, A. (1400 AH). *Al-Saba'a fi al-Qara'at* (Vol. 1, 2nd ed.). Cairo: Dar al-Maarif. [In Arabic]
21. Ibn Saad, M. (1410 AH). *Tabaqat Al-Kubari* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiya. [In Arabic]
22. Khansari, S. M. B. (1341 AH). *Ruzat al-Jannat fi Ahwal Ulama va al-Sadat* (Vol. 5). Qom: Ismailian School. [In Arabic]
23. Khodaei Esfahani, A. (1378 AP). *The importance of reading Asim according to Hafis*. Tehran: Rayzan Publications. [In Persian]
24. Khoei, S. A. (1382 AP). *Expression in the sciences and general issues of the Qur'an* (M. S. Najmi., & H. Hashemzadeh Harisi, Trans.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. Printing and publishing organization. [In Persian]
25. Khoei, S. A. (1409 AH). *Mujam Rijal* (Vol. 10). Qom: Office of Ayatollah Khoei. [In Arabic]
26. Koleyni, M. (1365 AP). *Al-Kafi* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
27. Marefet, M. H. (1381 AP). *Quranic sciences*. Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute. [In Persian]

28. Marefet, M. H. (1388 AP). *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an* (Vol. 2). Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute. [In Persian]
29. Mezi, Y. (1400 AH). *Tahzeeb al-Kamal, Tahzeeb al-Kamaal fi Asma al-Rijal* (Vol. 13). Beirut: Al-Risalah Institute. [In Arabic]
30. Mufleh al-Qada, M. et al. (1422 AH). *Muqadamt fi Ilm al-Qira'at*. Oman: Dar Ammar. [In Arabic]
31. Pishwa'ei, F., & Yousefi Moghadam M. S. (1395 AP). An Examination of the document of reading Hafs from Asim. *Journal of Qur'anic Researches*, 21(1), pp. 106-127. [In Persian]
32. Sadr, S. H. (1381 AP). *Ta'asis al-Shia le Uloom al-Islam (Shia founders of Islamic culture)*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
33. Sharifinasab, H. (1399 AP). A critical study of the originality of Hafs narration from Asim's reading. *Historical Studies of Quran and Hadith*, 23(67), pp. 124-99. [In Persian]
34. Shushtari, M. T. (1414 AH). *Qamous Al-Rijal* (Vol. 5, 2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
35. Shushtari, N. (1377 AP). *Majalis al-Mu'minin* (Vol. 1). Tehran: Islamiya. [In Persian]
36. Tabarsi, F. (1415 AH). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Mu'asisah Al-Alami le Matbu'at. [In Arabic]
37. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
38. Zahabi, M. (1382 AH). *Mizan al-Itidal fi Naqd al-Rijal* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Marafa le Tab'a'ah va al-Nashr. [In Arabic]
39. Zahabi, M. (1405 AH). *Seyr A'alam al-Nabala* (Vol. 5, 3rd ed.). Beirut: Al-Rasalah Institute. [In Arabic]
40. Zahabi, M. (1417 AH). *Ma'arifah Al-Qar'a Al-Kabbar Ala al-Tabaqat va Al Asar*. Qom: Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]
41. Zirikli, K. (2002). *Al-Alam* (Vols. 2 & 3, 15th ed.). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een.